

بِه زام خ داوئد بخش نده مه ريان



WWW.EC.NAHAD.IR

جلسه سوم

دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی

دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی:

انقلاب اسلامی در سطح جهانی نیز تحولات عظیمی ایجاد نموده است و این تحول به چالش کشاندن نظام بین‌الملل جهانی است که به مدت ۳۰۰ سال بر جهان حاکم بوده است، یعنی بعد از عهدنامه وستفاليا نظام دولت-ملت حاکم می‌شود و قدرت نیز در اختیار غربی‌ها و اروپا قرار می‌گیرد که ما آن را نظام سلطه می‌نامیم، این نظام در جنگ جهانی اول یک تحول ایجاد کرد که بعد از شکست آلمان در جنگ جهانی اول از طریق ویلسون نظریه دولت جهانی مطرح شد، وی معتقد بود همان‌گونه که در آمریکا همه دولت‌ها زیر یک پرچم قرار دارند، دولت فدرال جهانی ایجاد کنیم که دولتی مستقل نباشد و همه تحت حاکمیت غرب به عنوان قوی‌ترین دولت باشند؛ این نظریه مورد اقبال واقع نشد و نهایتاً انگلیس برای موازنه قوا آلمان را احیا کرد و جنگ جهانی دوم شروع شد. در جنگ جهانی دوم روزولت نظریه جدیدی مطرح کرد که به نظریه برادران بزرگ‌تر معروف است، وی گفت همانطور که همه جهان فرزندان آدم و حوا و از یک خانواده هستیم وقتی پدر و مادر فوت می‌کنند مسؤلیت به عهده برادران بزرگ‌تر قرار می‌گیرد و ما پنج قدرت پیروز جنگ جهانی دوم نیز برادران بزرگ‌تر هستیم و لذا حق داریم برادران کوچک‌تر را تنبیه کنیم و کل جهان را اداره کنیم و سازمان ملل و شورای امنیت بر همین اساس شکل گرفت و حق و توی پنج قدرت بر اساس این نظریه می‌باشد و در نتیجه این پنج برادر به دو برادر بزرگ تبدیل شدند و دنیا را بین خود تقسیم کردند و

نظام بین‌المللی دو قطبی شد یعنی بلوک شرق به رهبری شوروی و نظام غرب تحت رهبری آمریکا قرار داشت و در همان ابتدا نیز اعلام نمودند که کشورهای کوچک‌تر باید زیر پرچم یکی از این دو قرار گیرد و بلوک سوم را نمی‌پذیرفتند، کشورهای غیر متعهد نیز تسلیم شدند هرچند تعهدی نپذیرفتند اما در مقابل این دو قدرت قرار نگرفتند و همه حوادث جهان بعد از جنگ جهانی دوم در غالب رقابت این دو ابر قدرت بود، همه تقسیمات بعد از جنگ جهانی دوم تابع این قاعده بود یعنی کره شمالی و جنوبی، ویتنام شمالی و جنوبی، آلمان شرقی و آلمان غربی و... و پشت همه‌ی حوادث نیز حضور داشتند در ایران نهضت مشروطه با پشتیبانی سفارت انگلیس بوجود آمد یعنی روس‌ها از مستبدین حمایت می‌کردند و انگلیسی‌ها حامی مشروطه خواهان بودند و... این شرایط بود که نظام سلطه بر دنیا حاکم بود. و تنها حادثه‌ای که رخ داد و این قانونمندی را به چالش کشید چیزی نبود جز نهضت حضرت امام خمینی (ره) در سال ۴۱ و ۴۲. و امام بود که نظام واقعی جهان را معرفی کرد و فرمودند که این کشمکش‌ها نزاع بر سر غنایم است و همه این قدرت‌ها در صدد غارت منافع ملت‌ها هستند.

امام جنگ واقعی را جنگ بین مستضعفین و مستکبرین معرفی نمودند و واژه استکبار جهانی را در آن زمان خلق کردند و این دو ابر قدرت را یکسان معرفی نمودند و بعد از انقلاب نیز این دو ابر قدرت علیه انقلاب با هم توافق کردند و در دوران جنگ تحمیلی نیز ما شاهد این توافق بودیم و جبهه استکباری که امام آن را معرفی کردند معنا پیدا کرد و وضعیت به همین صورت تا زمان فروپاشی شوروی ادامه داشت و بعد از فروپاشی این نظام دو قطبی، آمریکا به دنبال یک نظام تک قطبی بود و آقای بوش پدر مسأله نظم‌نویین جهانی را مطرح نمود و در همان زمان آمریکا گفت ما تنها ابر قدرت جهان هستیم و بقیه باید جایگاه خود را بر اساس میزان قدرت پیدا کنند و هر متمدن از این نظام تک قطبی را نابود خواهیم کرد و تنها جمهوری اسلامی با این نظام تک قطبی مقابله کرد، مقاومت انقلاب اسلامی باعث شد این نظام تک

قطبی قادر به تداوم نباشد و در نتیجه دو نظریه جدید مطرح شد:

۱- نظریه فوکویاما با عنوان پایان تاریخ: وی گفت در جنگ بین کمونیسم و لیبرالیسم کمونیسم شکست خورد و لیبرالیسم آخرین نظام است و به پایان تاریخ رسیده ایم و این سخن نیز مقبولیت نیافت.

۲- نظریه هانتینگتون با عنوان برخورد تمدن ها: وی گفت که دوران دولت - ملت ها به پایان آمده است و تمدن ها هستند که با یکدیگر جنگ دارند و نزدیک ترین و قریب الوقوع ترین نبرد نیز برخورد تمدن اسلام با تمدن غرب است و گسل بین این دو تمدن خونین است وی گفت که تمدن کنفوسیوس و تمدن آمریکای لاتین نیز به کمک تمدن اسلامی خواهد آمد.

در صورتی که ما هیچ وجه اشتراک تمدنی بین کنفوسیوس و آمریکای لاتین با اسلام مشاهده نمی کنیم بنابراین آقای هانتینگتون نکته ای را مخفی کرده است و آن مسأله ضربه ای است که این سه جامعه از تمدن غرب خورده اند می باشد آمریکای لاتین حیات خلوت آمریکا بود و چین در جنگ تریاک بیشترین خسارت را از غرب دیده بود.

اکنون متوجه فرمایش حضرت امام می شویم که برخورد ما برخورد با استکبار جهانی است و ما این مسأله را با نام برخورد با سلطه و شکل گیری دو اردوگاه تئوریزه نموده ایم.

برخورد با سلطه و شکل گیری دو اردوگاه:

۱- اردوگاه سلطه گران؛ همه دولت های سلطه گر در این اردوگاه قرار دارند.

۲- اردوگاه سلطه ستیزان؛ در این اردوگاه همه توده ها و مردم و مستضعفین و دولت های برخاسته از مردم قرار دارند.

تعریف نظام هر یک از اردوگاهها:

در اردوگاه سلطه گران محوریت و مرکزیت با ایالات متحده آمریکا است بعد از آن دول اروپایی هستند بعد از آن ها دول پیشرفته همراه با غرب مانند چین روسیه و ژاپن می باشند بعد از آن ها دول در حال توسعه تحت نفوذ غرب قرار دارند و در نهایت نیز دول اسلامی تحت نفوذ غرب مانند عربستان سعودی، قطر، اردن، کویت و... قرار دارند.

در نظام سلطه ستیزان نیز لاجرم رهبری با ایران اسلامی است و ایران اسلامی شامل نظام جمهوری اسلامی و جامعه ولایی است و بعد از آن جهان تشیع است و بعد جهان اسلام قرار دارد، بعد از آن ها غیر مسلمانان در کشورهای در حال توسعه مانند مردم کشورهای آمریکای لاتین هستند و در نهایت توده های مردم در جهان توسعه یافته غرب قرار دارند مانند جنبش تسخیر وال استریت.

ویژگی های جنگ بین دو نظام سلطه گر و سلطه ستیز:

۱- برخورد این ها بر خورد برد و باخت است، زیرا یک اردوگاه خواستار حفظ سلطه است و اردوگاه دیگر خواستار بیرون آمدن از زیر سلطه است و آشتی بین این دو معنا ندارد.

۲- جنگ بین این دو نظام عمودی است و افقی نیست، همه جنگ های گذشته از نظر جغرافیایی افقی بود اما اینجا جنگ بین قاعده هرم که توده ها هستند و رأس هرم که دولت ها هستند می باشد یعنی تسخیر وال استریت با دولت خود دعوا دارد.

۳- در این جنگ سلاح هسته ای به هیچ وجه کاربرد ندارد و این بسیار مهم است بنابراین قدرت برتر با توده ها است.

۴- چرا از واژه اردوگاه استفاده شده است و از واژه قطب استفاده نشده است؟ برای اینکه این دو نظام سیال هستند و هر روز از اردوگاهی کاسته شده و به اردوگاه دیگر اضافه می‌شود مثلاً تونس در زمان بن علی جزء اردوگاه سلطه‌گران بود اما امروز جزء اردوگاه سلطه‌ستیزان است و مصر در زمان محمد مرسی جزء اردوگاه سلطه‌ستیزان بود اما امروز اگر الیسی پیروز شود دولتش جزء اردوگاه سلطه‌گران خواهد بود و در نهایت نیز پیروزی نهایی به طور یقین با اردوگاه سلطه‌ستیزان است زیرا که قرآن این طور پیش بینی نموده است «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» و به این دلیل بر سر مسایل هسته‌ای یا هر چیز دیگر آشتی بین ایران و آمریکا امکان ندارد چون ما در صدد نابودی سلطه آن‌ها بر جهان هستیم و آن‌ها نیز در صدد نابودی ما به عنوان یک سلطه‌ستیز که رهبری سلطه‌ستیزان را بر عهده داریم هستند.

ویژگی‌های هر دو اردوگاه:

۱- مبانی قدرت در این دو اردوگاه متفاوت است؛ در سلطه‌گران همچنان قدرت سخت دارای نقش اصلی است، در حالی که در سلطه‌ستیزان نقش اصلی با قدرت نرم است.

۲- مبانی اندیشه‌ای و فکری متفاوت است؛ در سلطه‌گران ماتریالیسم، سکولاریسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم مبانی فکری هستند در حالی که در سلطه‌ستیزان دین‌گرایی، اسلام‌خواهی، الهیات رهایی بخش، مردم‌سالاری با تکیه بر معنویت اخلاق و عدالت است.

۳- منافع ملی نیز دارای تعاریف متفاوت است؛ در سلطه‌گران منافع صاحبان قدرت و طبقه حاکم است در حالی که در سلطه‌ستیزان منافع توده‌های مردم است.

۴- دارای اهداف متفاوت هستند؛ همانطور که اشاره شد در سلطه‌گران حفظ تداوم و گسترش سلطه هدف است در حالی که در سلطه‌ستیزان رهایی از هر نوع سلطه هدف می‌باشد.

۵- نوع حاکمیت متفاوت است؛ در سلطه‌گران حکومت بر مردم است و مردم در خدمت حکومت هستند در سلطه‌ستیزان حکومت از مردم و برای مردم و در خدمت مردم است.

۶- نوع مقابله و منازعه متفاوت است؛ در سلطه‌گران جنگ‌های کلاسیک با استعمال سلاح کشتار انبوه است، در سلطه‌ستیزان مقاومت و قیام‌های مردمی، دفاع همه جانبه و بازدارندگی است.

۷- روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز متفاوت است؛ در سلطه‌گران بر پایه رقابت و بعضاً با خصومت با یکدیگر و کسب انحصار منافع تنگ نظرانه است و در این جا رقابت آمریکا و روسیه در اوکراین معنا و مفهوم می‌یابد چون این دو مسأله منافعشان در تضاد با یکدیگر است اما در مورد مسأله هسته‌ای در ایران این طور نیست و متحد هستند، در حالی که در سلطه‌ستیزان بر پایه محبت، برادری و روح خدمت و تعامل است و با وجود اینکه دوستان ما گاهی اوقات کم لطفی می‌نمایند هیچ‌گاه ما در مقابل آن‌ها نمی‌ایستیم مثلاً حماس در جریان سوریه اشتباه کرد ولی ما به خصومت با آن‌ها نپرداختیم و باز آن‌ها به دامن ما بازگشتند.

۸- سیاست دارای دو تعریف متفاوت است؛ در سلطه‌گران بر پایه ریا، تزویر، دروغ و استانداردهای دو گانه و به عبارتی سیاست ماکیاولیستی است در حالی که در سلطه‌ستیزان بر مبانی صداقت، صراحت و کیاست توأم با جسارت و شجاعت است، مثلاً وقتی سید حسن

نصرالله صحبت می کند حتی اسراییلی ها نیز با دقت گوش می دهند و می دانند که وی حتی یک کلمه دروغ نمی گوید اما به حرف های رؤسای خود مثل نتانیاهو می خندند و آن ها را مسخره می کنند.

۹- **نهادهای تأثیرگذار متفاوت است؛** در سلطه گران دولت ها و اتحادیه های دولتی و سازمان های غیر دولتی تحت نفوذ دولت ها نهادهای تأثیرگذار در اردوگاه سلطه گران است ولی در سلطه ستیزان گروه های اجتماعی، توده های مردم و دولت ها و نهادهای مردمی است.

۱۰- **ابزار نفوذ متفاوت است؛** در سلطه گران تروریسم ابزار نفوذ و سلطه دولت ها و ساخته و پرداخته آن ها است.

۱۱- **علم و فناوری؛** در سلطه گران در خدمت و انحصار صاحبان قدرت و به عنوان ابزار قدرت است، در سلطه ستیزان در خدمت و اختیار عموم ملت ها و در جهت رفاه آن ها است.

۱۲- **ارتباطات و رسانه ها؛** در سلطه گران یک سویه و در انحصار آن ها است و در سلطه ستیزان دو سویه و در خدمت و آگاهی بخش آن ها است.

این نظام جدیدی است که در حال شکل گیری است و به همین علت سلطه گران نتوانستند یک نظام ثابت و پایدار ایجاد کنند و آخرین حرف آقای ریچاردهاست این است که ما وارد دنیای بی قطبی شده ایم و در این دنیا هرج و مرج و آنارشیسم جریان دارد اما واقعیت این است که نمی خواهند به این تغییرات اعتراف کنند و این دستاورد جهانی انقلاب اسلامی است.